



ماجرای شهادت اولین برادران مدافع حرم



سرورهادیان مادر شهیدان مصطفی و مرتضی بختی اولین برادران شهید مدافع حرم از مشهد مقدس در مصاحبه تلفنی با برنامه «در امتداد شقایق» رادیو مقاومت بیان کرد: دل کندن از فرزند کار راحتی نیست و ما این ایثار و صبوری را از حضرات‌المبتین (س) آموختیم.

وی افزود: بنده شهیدان‌المبتین (س) را به عنوان الگو انتخاب کردم و زمانی که خداوند این سسه پسر که امانت‌های خودش هستند را به دست من سپرد از خدا خواستم فقط در راه خودش باشند و اگر ده پسر دیگر هم داشتم فدای راه خداوند و راه اسلام می‌کردم.

مادر شهیدان مصطفی و مرتضی و مرتضی بختی گفت: آقا مرتضی شهید

انقلاب بود که سال ۱۳۶۸ به شهادت رسید اما شهیدان مصطفی و مرتضی مدافع حرم بودند که همزمان با هم شکستنه شدند و همزمان با تیر خلاصی شهید شدند و اگر پیکرشان باز نمی‌گشت خوشحال‌تر بودم.

هادیان اظهار کرد: آقا مصطفی رشته حقوق خوانده بود و در آژانس کار می‌کرد و آقا مرتضی هم رتبه یک دانشگاه بود و مشغول به کار بودند لذا این‌ها حرف و حدیث است که یک عده می‌گویند مدافعان حرم بیکار بودند؛ این شهدا بیکار نبودند در حقیقت عاشق بودند.

وی افزود: متأسفانه از حضرت خدیجه (س) خیلی کم یاد می‌شود در صورتی که ایشان الگوی حضرت زهرا (س) بودند و من حفیر هم از این الگوی ارزشمند و بزرگواری پیروی کردم.

مادر شهیدان مصطفی و مرتضی بختی در رادیو مقاومت گفت: ما این جان دادن و فدا کردن فرزندانمان را از حضرت ابا عبدالله(ع) آموختیم و من نذر کرده بودم که پسرانم را در راه خدا فدا کنم و به نظرم این درد بزرگی است که ما دل حضرت زهرا (س) را به درد بیاوریم. هادیان اظهار کرد: آقا مرتضی و آقا مصطفی در قالب تیپ فاطمیون از شهر قم ثبت‌نام کردند و پیکرباشان هم دو هفته در قم مهمان حضرت معصومه بود اما وقتی مسئولان متوجه می‌شوند که این دو شهید افغانستانی نیستند به مشهد آورده می‌شوند.

مادر شهیدان مصطفی و مرتضی بختی در پایان برنامه گفت: جوانان با عفت و حیا و حجاب خود اجازه ندهند که خون شهدا پایمال شود.

مردان آتش-۱

دیده‌بان

ابوالقاسم محمدزاده

جنگ که شروع شد، لباس رزم پوشیدند تا در مقابل دشمن سینه سپر کنند و در مقابل دشمن خطی از آتش تا گلوله جواب گلوله باشد.



گاهی با تفنگ سبک و گاه با سلاح سنگین، دوشکا و ۱۰۶ و ۱۰۷ به کار گرفته شد تا آتش تهیه و آتش پشتیبانی نزدیک باشد و بر سر دشمن بیارند تا نیروهای دشمن زمینگیر شوند و رزمندگان اسلام پیشروی نمایند.

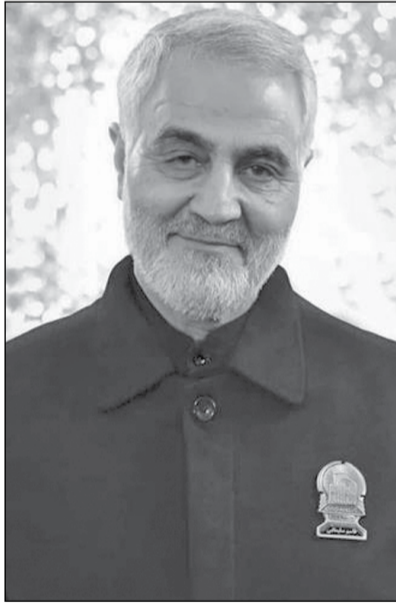
عباس فرزند محمدحسین، دیده‌بان بود و با دقت عملش در میدان جنگ، در به هدف رسییدن گلوله‌های خمپاره و ویران کردن سنگرهای انفرادی و گروهی دشمن نقش مؤثری داشت. او طی عملیات والفجر مقدماتی در اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید.

موضوع: شهید عباس محمدیان (دیده‌بان تیپ الحديد لشکر ۵ نصر خراسان رضوی)

گنج سلیمانی

تو را تشنه بودیم و هستیم تنه‌هاش زود و افزون شود این عطش روز به روز تو آبی روان بودی و این کویر به دنبال آب، هم به شب، هم به روز

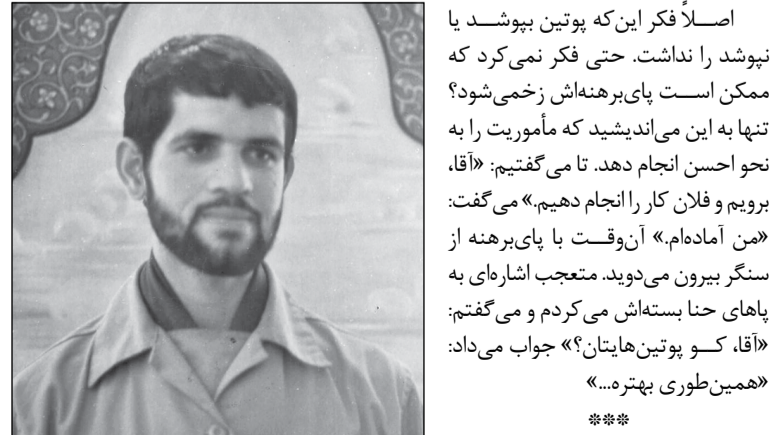
تو آرام جان بودی و هم قرار گرفتی قرار و ببردی قرار پراکنده یا رکتی، شدند دشمنان تو قاسم شدی تا که سهمی دهی به مردم ز ایمان و از آگهی و از گنج سلیمانی خوشبخت ببخشی به ما، گوهر مهرهی علی‌رضا جعفری



یک شهید، یک خاطره

قراری با خدا

مریم عرفانیان



اصلاً فکر این‌که پوتین بیوشد یا نبوشد را نداشت. حتی فکر نمی‌کرد که ممکن است پای‌برهنه‌اش زخمی شود؟ تنها به این می‌اندیشید که مأموریت را به تو احسن انجام دهد. تا می‌گفتیم: «آقا، برویم و فلان کار را انجام دهیم.» می‌گفت: «من آماده‌ام.» آن‌وقت با پای‌برهنه از سنگر بیرون می‌دیدمت متعجب اشاره‌ای به پای‌های حنا‌سپاس می‌کردم و می‌گفتم: «آقا، کسو پوتین‌هایتان؟» جواب می‌داد: «همین طوری بهتره...»

یکی از ویژگی‌هایش همین بود، شاید قراری بود که با خدای خود داشت!

بر اساس خاطره‌ای از شهید ابراهیم آل نبی راوی: همرزم شهید



رستگاری عظیم

برای شهید صالح العاروری

کامران پورعباس

شخص دوم حماس

روزنامه‌ی دیپووت آخرونوت در سال ۲۰۱۸ در خصوص العاروری می‌نویسد: العاروری برنامه‌ریز عملیات‌های مسلحانه حماس و شخص دوم حماس شده و انتخاب وی برای ایسن جایگاه تکمیل تغییر ساختار رهبری حماس پس از انتخاب یحیی سنوار به عنوان رئیس حماس در غزه به شمار می‌رود. العاروری در کرانه باختری متولد شده و در آنجا رشد کرد و ۱۸ سال از عمر خود را در زندان‌های اسرائیلی به سر برد. وی به راحتی به زبان عبری سخن می‌گوید و با سرعت پله‌های پیشرفت در رهبری حماس را پیمود و پس از آنکه در سوریه، ترکیه و قطر مسئول دفتر حماس بود، هم‌اکنون در لبنان عهددار این مسئولیت است. در حالی که وی حمله‌های حماس را از لبنان برنامه‌ریزی می‌کند، انتخاب این شخص برای این جایگاه موجب نگرانی اسرائیل شده است.



اما آنچه اهمیت و جایگاه العاروری را بیش از دیگر شخصیت‌های فلسطینی برای صهیونیست‌ها پررنگ می‌کند، سابقه وی در اقدامات نظامی در کنتر رابله حسنه وی با ایران، حزب الله و گروه‌های فلسطینی است. العاروری مسئول نظامی حماس در کرانه باختری بوده است. وی مسئولیت رایش ۳ صهیونیست در سال ۲۰۱۴ (که بهانه تل‌آویو برای آغاز جنگ ۵۱ روزه شد) را بر عهده گرفته بود. به همین دلیل العاروری به ادعای روزنامه هآرتص و شبکه ۲ یوتیوبیون رژیم صهیونیستی، فرد شماره یک تحت تعقیب رژیم صهیونیستی بود.

شهادت پس از یک عمر مبارزه با رژیم اشغالگر صهیونیستی
صالح العاروری سسرانجام پس از یک عمر مبارزه با رژیم اشغالگر صهیونیستی مستقیماً توسط عزت الرشق از رهبران حماس در راهی مبارز و مجاهد فلسطینی، دوازدهم دی‌ماه ۱۴۰۲ در جریان حمله پهبادی رژیم صهیونیستی به جنوب بیروت به شهادت رسید.

رژیم اشغالگر قدس که طعم شکست درمیدان جنگ غزه را چشیده و روزبه روز بیشتر در برابر جبهه مقاومت احساس استیصال می‌کند، در جنتایی کور و تروریستی، صالح العاروری را در جنوب بیروت به شهادت رساند.

پهباد صهیونیستی یک دفتر متعلق به حماس را در المشرقیه هدف قرار داد که در پی آن ۳ نفر شهید و ۱۱ نفر زخمی شدند. در پی این حمله تروریستی، جنتی مقاومت اسلامی فلسطینی(حماس) با انتشار بیانیه‌ای رسماً شهادت صالح العاروری نایب رئیس دفتر سیاسی این جنبش و دو نفر از فرماندهان القسام را در جریان حمله پهبادی صهیونیست‌ها به جنوب لبنان تأیید نمود.



صهیونیست‌ها به شهادت رسید. این مبارز و مجاهد فلسطینی، دوازدهم دی‌ماه ۱۴۰۲ در جریان حمله پهبادی رژیم صهیونیستی به جنوب بیروت به شهادت رسید.

رژیم اشغالگر قدس که طعم شکست درمیدان جنگ غزه را چشیده و روزبه روز بیشتر در برابر جبهه مقاومت احساس استیصال می‌کند، در جنتایی کور و تروریستی، صالح العاروری را در جنوب بیروت به شهادت رساند.

پهباد صهیونیستی یک دفتر متعلق به حماس را در المشرقیه هدف قرار داد که در پی آن ۳ نفر شهید و ۱۱ نفر زخمی شدند. در پی این حمله تروریستی، جنتی مقاومت اسلامی فلسطینی(حماس) با انتشار بیانیه‌ای رسماً شهادت صالح العاروری نایب رئیس دفتر سیاسی این جنبش و دو نفر از فرماندهان القسام را در جریان حمله پهبادی صهیونیست‌ها به جنوب لبنان تأیید نمود.

یادی از شهید احمد مفید الگوی اخلاق

سعید رضایی



وقتی برای اقامه نماز بر پیکر مطهر احمد به آیت‌الله مجتهدی پیشنهاد اقامه نماز دادند، ایشان با بیان اینکه شهادت احمد حال ایشان را منقلب کرده است و اصلاً حال طبیعی برای اقامه نماز ندارند، خود را کنار کشیدند و در صف نماز ایستادند و همچنان به آرامی اشک می‌ریختند.

هر کس این استناد اخلاق و این مرد الهی را می‌دید که چنین با سوز و ناله در فراق احمد گریه می‌کند، بی‌اختیار از خود بی‌خود می‌شد و به گریه می‌افتاد و به فکر فرو می‌رفت که واقعاً احمد که بود؟

شهید احمد مفید در سال ۱۳۴۳ در شهر تهران به دنیا آمد. وی پس از طی دوران تحصیلات و اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه آیت‌الله مجتهدی شد تا هم بتواند به تحصیل خود در علوم دینی که به آن علاقه داشت، ادامه بدهد و هم اینکه بتواند مسیر سیر و سلوک معنوی خود را زیر نظر استاد و پیر طریقتی همچون آیت‌الله مجتهدی ادامه دهد.

احمد علاوه‌بر اینکه در خانواده‌ای مذهبی رشد و پرورش یافته بود، پیش از این نیز همزمان با شرکت در فعالیت‌های انقلابی، با دوستان طلبه و حزب‌اللهی آشنا شده بود و به همین خاطر به حوزه علمیه علاقه‌مند شده بود. او حوزه علمیه را محلی می‌دانست که در پرتو آن می‌توانست به تمامی آنچه می‌خواست، دست پیدا کند و خواسته‌های او نیز چیزی نبود جز خدمت به انقلاب و دین اسلام و مردم جامعه‌اش.

احمد فردی خونگرم و خوش‌اخلاق و مهربان بود و بسیار فعال و زحمتکش و مهم‌تر از همه فردی دغدغه‌مند و با انگیزه که برای رسیدن به اهداف و آمالش از هیچ تلاشی کوتاهی نمی‌کرد.

پس از شروع جنگ تحمیلی، احمد نیز همدوش دیگر دوستان روحانی و طلبه‌اش عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطلی شدند. او در حقیقت این جهاد را ادامه مسیر سیر و سلوک معنوی خود دانسته و ارزش آن را کمتر از جهاد علمی در حوزه علمیه نمی‌دانست. احمد جهاد فی‌سبیل‌الله و جنگ تحمیلی و شهادت در مسیر انقلاب اسلامی را یک توفیق بزرگ و نعمت الهی می‌دانست که خداوند به واسطه محبتی که به بندگان خاصش و بخصوص امام خمینی(ره) دارد، نصیب آنان کرده است لذا در جای‌جای وصیت‌نامه‌اش مرتب تذکر می‌دهد که شکرگزار این نعمت باشیم و برای حفظ انقلاب و اسلام و تبعیت از رهبری تلاش کنیم.

او در بخشی از وصیت‌نامه‌اش دیدگاه خود را پیرامون جهاد فی‌سبیل‌الله چنین توضیح می‌دهد: «جهاد یک مقدمه و وسیله‌ای است که پروردگار متعال برای تقرب عباد به سوی خودش به او عنایت کرده و این جهاد نصیب همه اشخاص نمی‌شود و در همه زمانها این مسئله اتفاق نمی‌افتد چون اقتضای زمانه ایجاب نمی‌کند. هم اکنون که پروردگار این مسفره گسترده خویش را باز نموده تا بندگان از خوان نعمت و رحمتش استفاده کنند، انسان باید در معرض سختی‌ها باشد تا به خداوند متعال توجه کند و اگر در سختی نیفتد، جوهره وجودی انسان ساخته و پرداخته نمی‌شود.»

او خود را فدایی مکتب می‌دانست و برای دین اسلام و انقلاب اسلامی و به خصوص رهبر آن امام خمینی(ره) بسیار ارزش و احترام قائل بود و معتقد بود: «این مکتب آن قدر پرارزش است که همه ما اگر فدای آن شویم جا دارد، چنانچه اولیاء مکرم الهی خوشبخت را فدای آن کردند و تا به حال این مکتب با خون باقی است.»

مهم‌ترین اثری که از روحانی شهید احمد مفید به یادگار مانده است، وصیت‌نامه طولانی و مفصل او می‌باشد که می‌توان گفت یکی از بهترین وصیت‌نامه‌ها بوده و دارای محتوایی غنی و فوق‌العاده سازنده و معنوی است. در این مجال کم تنها قسمتی از آنچه احمد مفید نوشته است را می‌خوانیم:

«بزرگ‌ترین نعمتی که خدا به انسان داده، نزول وجود مقدس ائمه معصومین صلوات‌الله‌علیهم در این عالم بود که این انوار ما را به معدن نور متصل کنند. دین مقدس اسلام را نیز که بر پایه توحید استوار گشته، ائمه اطهار(ع) به ما معرفی کردند و علماء و روحانیت بزرگوار ما نیز احکام دین را از کلام آنان استخراج کرده و برای ما بیان می‌کنند لذا مخالفت با علماء، مخالفت با اسلام و دین است.»

شهید احمد مفید در بخشی دیگر از وصیت‌نامه‌اش به عنوان توصیه و درخواست از خواهران و برادران ایمانی‌اش چنین می‌نویسد: «سعی کنیم وظیفه خودمان را در هر لحظه و زمانی که بر ما می‌گذرد، بشناسیم و به آن عمل کنیم و خود را مشغول لهو و لعب ندانیم فریبنده نسناییم که دنیا فانی باشد. سر خودمان را بشیره نمالیم و خودمان را گول نزنیم و با اسباب بازی‌های دنیا بازی نکنیم که همه آنها فانی و ما نیز رفتنی هستیم. انسان باید خود را در این دنیا در محضر خدا و کوچک بداند که همین‌طور هم هست، ما خیلی کوچیکم لکن خودمان نمی‌فهمیم و باید مرتب این مسئله را به خودمان تلقی کنیم که ما انسانها، موجودات کوچک و هیچیم.»

انسان باید خویشاوند باشد که در اجتماع غرور پیدا نکند، که غرور چیز بدی است و انسان از آن ضربه‌های مهلکی خورده است. اینکه خدا به انسان چیزی را عنایت کرده و لطف کرده است حال اگر انسان آن کار را به اسم خودش ثبت کند، این نیز قسمی از غرور است و بلائی است که همیشه گریانگیر انسان می‌شود.

روحانی شهید احمد مفید در بخش دیگری از دست‌نوشته‌هایش خطاب به روحانیت به آنان توصیه می‌کند که بیشتر بر تهذیب نفس خویش کوشیده و به فکر رفع نیازهای جامعه اسلامی باشند: «دیگر اینکه روحانیون معظم که مبلغین احکام الهی و شریعت رسول‌الله هستند باید سعی کنند خیلی زیاد در پاکسازی نفوس خویش تلاش داشته باشند (که ان‌شاء‌الله این چنین هم هست) و در کسب معارف بیشتر بکوشند و در سیراب کردن این عطش جامعه که به آب حیات اسلام احتیاج دارند، کوشا باشند و سعی در موعظه کردن و در پیش گرفتن خلق رسول‌الله(ص) داشته باشند که خداوند متعال نیز فرموده است: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه و جادلهم بالتی هی احسن»

احمد مفید به همراه برادرانش محمود و ابوالقاسم هر سه در طول جنگ در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل حضور داشتند و سال‌های متمادی به انقلاب و اسلام خدمت کردند. وقتی که احمد در عملیات والفجر ۸ به شهادت رسید، برادر کوچکش ابوالقاسم نیز در همان عملیات بود و از ناحیه پا مجروح شد.

پیکر احمد را برادرش محمود آورد که خودش نیز در عملیات کربلای ۵ در سال ۱۳۴۵ به شهادت رسید.

خبر شهادت احمد، موجی از غم و ماتم و شور و هیجان را برای دوستان طلبه‌اش در مدرسه مجتهدی و هم‌زمانش در پایگاه مقاومت بسیج ناحیه شرق تهران پدید آورد به‌گونه‌ای که هر کس خبر شهادت احمد و رفتن و پرواز کردن او را شنید هم ناراحت شد و اشک ماتم ریخت که این اسوه تقوا و متانت و صبر و ایثار را از دست داده است و هم خوشحال از اینکه عاقبت احمد، با شهادت ختم شده است.

در مراسم تشییع پیکر مطهرش طلاب و روحانیت زیادی شرکت کرده بودند. آیت‌الله مجتهدی نیز آمده بود تا با شاگرد خود خداحافظی کند و چه خوب شاگردی تربیت کرد این استاد اخلاق و عرفان.

آخرین توصیه شهید
«در حق همدیگر دعا کنید که این دعا به اجابت نزدیک‌تر است. حقی اجتماعی و فردی. هر مؤمنی که به واسطه او به ما فیضی می‌رسد بر گردن ما حق دارد. همه مسلمانی که به زیر پرچم لاله‌الله آمده‌اند و بنده خدا شده‌اند، به گردن همدیگر حق پیدا می‌کنند پس باید غمخوار همدیگر باشیم و در کارها به همدیگر کمک کنیم و در دستگیری ضعیفان پیشقدم باشیم و بی تفاوت بودن نسبت به مسائل اجتماع و اسلام و مصالح مسلمین به شدت بپرهیزید.»